

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۱۳ نومبر ۲۰۰۹

شکوه ۷۴

(۱۰) در افغانستان :

{ ز }

هم پدر و خویش و اقارب ، سفر
کرده ازین ملک ، به ملک دگر
جمله بگفتند ، بیا در رویم
یک نفس راحتی ، با هم کشیم
وای عجب ، هندو گریزان نگر
گر نگریزند ، مسلمان نگر
جمله پناهنده شده هر طرف
زندگی، با شوکت و شأن و شرف
بنده بگفتم که وطن ، مادرم
مام وطن داور و هم یاورم
وای عجب ، هندوی افغان نگر
حب وطن جوهر ایمان نگر
وای ازان روزی که طالب رسید

از در و دیوار ، مخالب رسید
پنجه و چنگال شدی خون چکان
خون سکان ریخته شد رایگان
وای عجب ، هندوی افغان نگر
کُشته شدن ، یا که مسلمان نگر
یک شبی چند طالب سائل شده
داخل منزل شده فاعل شده
وای چه گویم ، نتوانم بیان
آنچه که کردند به من ، ناکسان
وای عجب ، عالم انسان نگر
عالم حیوان شده حیران نگر
بعد بگفتند ، دوراه ، بر شماست
زین دو یکی حتم شما را رواست
یک : بیائید و مسلمان شوید
دو : به سر دار ، آویزان شوید
وای عجب ، طالب و فرمان نگر
جان ، عزیز است و به ایمان نگر
خواهر زن گفت به طالب ، چنین
رحم نما ، روی خدا را ببین
آنچه که میراث پدر داشتی
بر پسرت نیز تو بگذاشتی
وای عجب ، هندی افغان نگر
منطق او بهر مسلمان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

شکوه ۷۵

(۱۰) در افغانستان :

{ ح }

گر قدرت بود ز اهلِ هنود
یا که مسیحی بود و یا یهود
مسلمی گر گفت ، مسلمان شوید
پاسخ تان چیست ، جوابش دهید
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
پرسشِ هندو ز مسلمان نگر

بقیه دارد